

ارائه و تبیین مدل سیستمی رفتار انسان از منظر قرآن کریم

علی رضائیان*، علی عبدالهی نیسیانی**

چکیده

این پژوهش به ارائه مدلی سیستمی از رفتار انسان از منظر قرآن کریم می‌پردازد. این کار با استفاده از با استفاده از الگوریتم «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» - شامل گام‌هایی چون: شناسایی کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع، رجوع به آیات و جمع‌آوری داده‌ها، مستندسازی، کدگذاری، دسته‌بندی، طبقه‌بندی، بازنگری و جمع‌بندی در آیات قرآن کریم - انجام می‌گیرد. اجزای این مدل با استناد به آیات قرآن کریم تبیین شده‌اند. علی‌الخصوص، به مواردی از «مدل‌های توصیفی رفتاری انسان»، به عنوان مهم‌ترین قسمت از اجزای این مدل سیستمی، بر اساس قرآن کریم اشاره شده است. به جهت اهمیت و کاربرد این مدل‌های توصیفی رفتاری، مباحث متعددی در مبنای نظری سازمان و مدیریت از این مدل‌ها استفاده می‌کنند که در این مقاله در ادامه توضیح آیات به برخی از این کاربردها نیز اشاره شده است. با توجه به ماهیت کیفی و روش کتابخانه‌ای پژوهش، بوسیله دقت موشکافانه در مفاهیم و لغات بر اساس کتب تخصصی لغت‌شناسی و تفسیری قرآن کریم، همچنین تطبیق با دیگر یافته‌های علمی موجود، سعی شده پایایی و روایی این تحقیق به نحو مناسبی تأمین شود.

کلیدواژه‌ها: مدل توصیفی رفتار؛ انسان؛ سیستم؛ قرآن.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۵/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۸/۷

* استاد، دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دکتری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

می‌توان علوم را بر اساس سوال‌هایی که بدان می‌پردازند بررسی کرد. ماهیت این سوال‌ها و جایگاه آن‌ها نسبت به یکدیگر ما را در درک جهت‌گیری‌های علم و مسیر طی شده کمک می‌کند. علم رفتار سازمانی نیز بنا به نقش خود پی‌گیر پاسخ‌گویی سوال‌های خاص شده است. رفتار سازمانی به دنبال شناخت، پیش‌بینی و کنترل و تغییر رفتار انسان در شرایط و بستر سازمان است. بنابراین سه سوال اساسی رفتار سازمانی بدین صورت می‌شوند:

۱. چرا انسان رفتار می‌کند؟ در این سوال بررسی می‌شود که چرا انسان‌ها تحریک شده و رفتار می‌کنند. در این سوال شرایط و عواملی که باعث می‌شود انسان رفتار کرده و یا بر بروز رفتار او موثرند شناسایی می‌شوند. از جمله این عوامل، ریشه‌های روانشناختی انسان، زمینه‌های رفتاری تعامل انسان با دیگران و محیط است؛ مثلاً؛ مباحث انگیزش (چرا انسان به رفتاری برانگیخته می‌شود؟)، ادراک، نگرش، ارزش، هوش، شخصیت، احساس، معرفت‌پذیری یا یادگیری، تأثیرات گروهی، ... از مباحثی هستند که بر ریشه‌های روانشناختی انسان تکیه دارند. یعنی عواملی بنیادین که بر رفتار انسان تأثیر دارند.

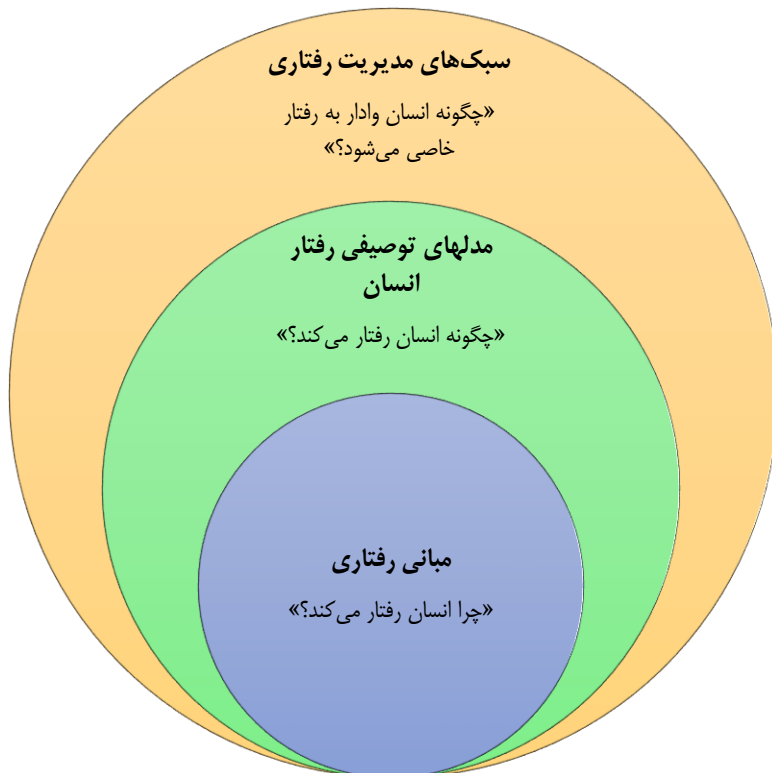
۲. چگونه انسان رفتار می‌کند؟ در این سوال به این امر توجه می‌شود که انسان‌ها علاوه بر محرک‌های رفتاری، یک سری مدل‌های رفتاری نیز دارند. انسان‌ها در هنگام رفتار از چه منش‌ها، رویکردها و به عبارتی از چه مدل‌هایی پیروی می‌کنند؟ سوال‌های اول و دوم به دنبال شناخت رفتار انسان هستند. همچنین از لحاظ نظری سوال دوم بر سوال اول مبتنی است. یعنی از چگونگی تعامل و ترکیب شرایط و عوامل بنیادین رفتاری یک سری چارچوب‌ها و به عبارتی دیگر، مدل‌های رفتاری انسان پدید می‌آید؛ مثلاً نظریه عقلانیت محدود بیان‌گر یک مدل تصمیم‌گیری رفتار انسان است. در این نظریه -در پی تحلیل انگیزه‌ها و شرایط محدود کننده درونی و محیطی انسان- بیان می‌کند که انسان‌ها در واقع در تصمیم‌گیری‌های خود به گزینه رضایت بخش اکتفا می‌کنند نه این که با بررسی‌هایی کامل بهترین را برگزینند. (Simon, 1957, xxiv).

۳. چگونه انسان به رفتاری خاص وادار می‌شود؟ این سوال به دنبال کنترل و مدیریت رفتار انسان بوده و به ترتیب از دستاوردهای پاسخ به سوالات گذشته بهره خواهد برد. به عنوان مثال انواع سبک‌های رهبری و نظریه‌های ایجاد تعهد سازمانی و ... از این نوع سوال است.

این سه سوال به صورت لایه‌های پیازی از لحاظ نظری زیربنای یکدیگر هستند. یعنی در لایه اول به مبانی رفتاری و در لایه دوم به مدل‌های رفتاری و در لایه سوم به سبک‌های

۱. توجه شود که این سه لایه، سه موضوع هستند که به دلیل آن که در مباحث «مدیریت رفتار سازمانی» طرح می‌شوند، ذکر شده‌اند. زیرا که می‌توان از لحاظ نظری لایه‌های دیگری را نیز قبل و یا بعد از این سه لایه متصور بود. مثلاً قبل از لایه اول،

مدیریت رفتاری می‌رسیم که هرکدام زیربنای بعدی است. با حرکت از درون پیاز به سمت لایه‌های بیرونی، مباحث از حالت توصیفی به سمت تجویزی و از مباحث روانشناسی و انسان‌شناسی به مدیریت رفتار سازمانی تغییر پیدا می‌کند.



نمودار ۱: لایه‌های نظریه‌پردازی در مدیریت رفتار سازمانی

ولی آنچه که در سیر مباحث و تحلیل‌های علم رفتار سازمانی دیده می‌شود توجه نامتعادل به لایه‌های این پیاز است. لایه مبانی رفتار انسانی (عمدتاً) از دیدگاه روانشناختی به خوبی مورد توجه قرار گرفته تا بر اساس تبیین این لایه بتوان تبیین خوبی از سبک‌های مدیریت رفتاری ارائه داد. یعنی بدون توجه به لایه میانی (درک مدل‌های رفتاری انسانی) یک جهش به لایه سوم انجام می‌شود. تعدد مباحث پرداخته شده در لایه‌های اول و سوم این امر را اثبات می‌کند. این در

یعنی موضوع «مبانی رفتار انسان»، می‌تواند موضوع «معرفت‌شناسی رفتار انسان» طرح شود. یعنی اصلاً سوال شود که «رفتار چیست؟». و یا حتی سوالات «انسان‌شناسی» که در لایه‌های درونی‌تر جای خواهند گرفت؛ که البته چنین موضوعاتی به تناسب محتوای خود در علوم دیگر (مانند: روانشناسی، انسان‌شناسی، فلسفه و ...) مطرح می‌شوند.

حالی‌ست که لایه دوم در نظامی که در پیاز فوق ارائه شده، نقش منحصر به فرد و مفید خود را دارد. تعداد کم مباحث لایه دوم یعنی مباحثی که بیان‌کننده رویکردهای رفتاری انسان‌ها و مدل‌هایی که بیان‌کننده جهت‌گیری‌های رفتاری انسان است، خلأ نظری عمده‌ای را در رشته رفتار سازمانی به وجود آورده است. به گونه‌ای که هر نظریه‌ای که مرتبط به این لایه شکل بگیرد، با شدت بیشتری مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ مثلاً تبیین مدل عقلانیت محدود انسان از سوی سایمون به عنوان تحولی در علم اقتصاد و مدیریت تلقی شده و مفتخر به دریافت جایزه نوبل اقتصاد می‌گردد. به همین منوال، بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی و مالی - علاوه بر تحلیل‌های رشته مدیریت رفتار سازمانی - نیازمند شناخت مدل‌های رفتار انسانی بوده و علیرغم این که تبیین نظری منسجمی از این مدل‌ها وجود ندارد از آن‌ها استفاده می‌کند.

به دلیل همین مشکلات و غفلت نسبی به موضوع بسیار مهم مدل‌های توصیفی رفتاری انسان، به نظر می‌رسد که تبیین کامل و درک جامعی از سیستم رفتاری انسان ایجاد نشده است. یکی از سرمایه‌های اصلی که مدیریت اسلامی (و دیگر علوم انسانی اسلامی) خود را با آن متمایز می‌کند اتصال به منبع لایزال علم الهی در ارتقا و تکمیل دانش و درک بشری است. مثلاً در مورد بالا، مدیریت اسلامی می‌تواند مدّعی شود که با رجوع به منابع آسمانی اسلام، می‌توان تبیین کامل‌تری از نظام (سیستم) رفتاری انسان ارائه نمود. یعنی با رجوع به این منابع، تأثیر محدودیت‌ها و تحلیل‌های ناقص انسانی به حداقل رسیده و نتایجی با دقت و اعتبار بالا نصیب ما می‌گرداند.

پس از بررسی‌های اولیه آشکار شد که قرآن کریم به صورت مفصل و با نگرشی نظام‌مند به تحلیل رفتار انسان پرداخته است و بنابراین این پژوهش برای پاسخ به همین مسأله شکل گرفته و ادامه پیدا کرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الإنسان. این پژوهش، پس از بررسی‌های خود، کلیدواژه محوری «الإنسان» را به منظور جستجو و بررسی در قرآن کریم انتخاب نموده است. یعنی هنگام رجوع به قرآن کریم به مجموعه آیاتی توجه شد که حاوی کلمه «الإنسان» بوده و این آیات در بافت مفهومی خود - یعنی «رکوعاتی» که شامل چندین آیه قبل و بعد از آیه اصلی هستند - مورد بررسی قرار گرفته اند. «الإنسان»، از ریشه «إنس» بوده و «إنس» همزمان شامل دو معنی ریشه‌ای «نزدیکی» و «ظهور» است. یعنی؛ آن چیزهایی که آشکارا و به صورت نزدیک احساسشان می‌کنیم و نسبت به آن‌ها احساس دوری و یا فرار نداشته باشیم. از همین روست که در قرآن کریم «جن» که به معنای پوشیده و موجودی غیر آشکار است در مقابل «إنس» قرار گرفته است. و همچنین از

همین روست که در لغت‌شناسی، «وحشی» و «حیوان» که حاوی مفاهیم فرار و دوری کردن - در درون مفهوم خود- هستند را در مقابل «اِنْس» قرار می‌دهند. پس «الْاِنْسَان» یعنی همین انسان‌هایی که در اطراف خود می‌بینیم و آشنا هستیم. در «الْاِنْسَان»، (اَلْ-اِنْس-ان)، الف و لام (ال) در ابتدا^۱ و همچنین الف و نون (ان) اضافه شده در انتها، موجب شده که به مفهوم «اِنْس»، مفاهیم شخصیت (شخصیت یک موجود) و نوعیت (کل انسان‌ها) اضافه شود (علامه مصطفوی^۲، ذیل واژه اِنْس). از این رو با پیگیری کلیدواژه «الْاِنْسَان» در این تحقیق، در حقیقت ویژگی‌های رفتاری نوع انسان را در قرآن کریم بررسی کرده‌ایم. این نکته از آن لحاظ مهم است که چنین دقت مفهومی در تبیین مدل‌ها و مدل‌هایی که رفتار نوع انسان در قرآن کریم ارائه خواهیم داد، منجر به تقویت پایایی و روایی نظری تحقیق خواهد شد.

همچنین در فرآیند جستجو و اخذ نظرات کارشناسان حول کلیدواژه مشخص شد که دو واژه «بَشَرٌ» و «بَنِيْءِ اَدَم» نیز در قرآن کریم در مورد مباحث مربوط به انسان مورد استفاده قرار گرفته است. این واژگان دارای بار مفهومی متفاوت و به همین جهت دارای کاربردهایی متفاوت در قرآن کریم هستند. این تفاوت معنایی سبب شد که آن‌ها به عنوان کلیدواژه تحقیق مورد استفاده قرار نگیرند.

به صورت اجمالی، «بَشَرٌ» در لغت به پوست، جلد، هیأت و ظاهر اشیاء اشاره داشته و لذا در مواردی به کار برده می‌شود که معنا و محتوای شیء مورد نظر نباشد. و در قرآن کریم نیز هنگام توجه بر ظاهر انسان -نه عمق روحی و رفتاری او- از این واژه استفاده شده است. همچنین در قرآن کریم، «بَنِيْءِ اَدَم» (فرزندان آدم) به جای توجه مستقیم بر خود انسان، در مواردی به کار گرفته شده است که تأکید و توجهی بر روابط نسبی انسان‌ها تا پدرشان، حضرت آدم^{علیه‌السلام} بوده است. بنابر چنین موارد ذکر شده و دیگر مباحث تخصصی‌تر، مرتبط‌ترین و جامع‌ترین کلیدواژه برای بررسی موضوع انسان در قرآن، «الْاِنْسَان» تشخیص داده شد.

خَيْرٌ و شَرٌّ دو مفهوم بنیادین «برگزیدن» و «برتری داشتن» زیربنای مشترک تمامی مشتقات واژه «خیر» است. یعنی خیر چیز مطلوبی است که ترجیح داده می‌شود و مورد انتخاب است. (علامه مصطفوی، ذیل واژه خَيْرٌ). بنابراین مفهوم «خَيْرٌ» با مفهوم «مطلوبیت» در معنایی که در ادبیات مدیریت و اقتصاد استفاده می‌شود تطابق دارد؛ و به معنی آن چیزهایی است که مطلوب ما بوده و هنگام انتخاب، آن‌ها را برمی‌گزینیم. از دیگر سو از منظر لغت‌شناسی، «شَرٌّ»، واژه متضاد مفهوم خیر بوده و به معنی عدم مطلوبیت است (علامه مصطفوی، ذیل واژه شَرٌّ). به همین

۱. «ال» جنس و از نوع استغراقی است که همه افراد جنس خود را شامل می‌شود به گونه‌ای که می‌توان به جای آن از کلمه «کل» استفاده نمود.

دلیل، در این تحقیق از آن جایی که در فضای مبانی نظری مدیریت بحث می‌شود، «خَیْر» معادل «مطلوبیت» و «شَرّ» معادل «عدم مطلوبیت» در نظر گرفته شده است.

۳. روش پژوهش

در بررسی اولیه نسبت به نگرش قرآن کریم از انسان این نکته به دست آمد که قرآن کریم نگاهی نظام‌مند به رفتارهای انسان دارد. یعنی مباحث مربوط به رفتار انسان در قرآن کریم شامل مجموعه‌ای نامنسجم از اشاره‌ها یا تک گزاره‌های نامربوط به یکدیگر نیستند، بلکه هرچه با دقت بیشتری در آن‌ها تدبّر می‌شود وجود ارتباطاتی نظام‌مند میان آن‌ها مشخص تر می‌گردد.

روشی که این پژوهش بر اساس آن پیش رفته، علاوه بر توجه بر کلیدواژه «الانسان» در آیه اصلی، به بافت (شناخته شده با عنوان «سیاق» در علوم قرآنی) آیات قبلی و بعدی آیه اصلی نیز توجه داشته است. در ۴۴ سوره از قرآن کریم موضوع انسان و رفتار او بحث شده است. در بعضی سوره‌ها مانند «اسراء» و «قیامت» کلّ سوره درگیر بحث از انسان و رفتار او بود و در بعضی سوره‌ها مانند «انسان»، «علق» و «عصر» مهمترین موضوع مورد بحث، انسان بودند. فهرست مجموع آیاتی که برای موضوع این پژوهش بررسی شدند به صورت جدول زیر است:

جدول ۱. فهرست آیات و آیات قبل و بعد مورد بررسی در سیاق

شماره آیات از ابتدای سیاق - انتهای سیاق	شماره سوره	سوره	شماره آیه	ردیف	شماره آیات از ابتدای سیاق - انتهای سیاق	شماره سوره	سوره	شماره آیه	ردیف
۱۶-۱	۴۳	زخرف	۱۵	۳۳	۳-۱	۱۰۳	عصر	۲	۱
۵۳-۴۴	۴۲	شوری	۴۸	۳۴	۱۱-۱	۱۰۰	عادیات	۶	۲
۵۴-۴۵	۴۱	فصلت	۵۱	۳۵	۸-۱	۹۹	زلزله	۳	۳
۵۴-۴۵	۴۱	فصلت	۴۹	۳۶	۱۹-۱	۹۶	علق	۶	۴
۵۲-۴۲	۳۹	زمر	۴۹	۳۷	۱۹-۱	۹۶	علق	۵	۵
۹-۱	۳۹	زمر	۸	۳۸	۱۹-۱	۹۶	علق	۲	۶
۸۳-۶۸	۳۶	یس	۷۷	۳۹	۸-۱	۹۵	تین	۴	۷
۷۳-۵۹	۳۳	احزاب	۷۲	۴۰	۲۰-۱	۹۰	بلد	۴	۸
۱۱-۱	۳۲	سجده	۷	۴۱	۳۰-۱	۸۹	فجر	۲۳	۹
۱۹-۱۲	۳۱	لقمان	۱۴	۴۲	۳۰-۱	۸۹	فجر	۱۵	۱۰

۱۳-۱	۲۹	عنکبوت	۸	۴۳	۱۷-۱	۸۶	طارق	۵	۱۱
۳۴-۲۱	۲۵	فرقان	۲۹	۴۴	۲۵-۱	۸۴	انشقاق	۶	۱۲
۲۲-۱	۲۳	مومنون	۱۲	۴۵	۱۹-۱	۸۲	انفطار	۶	۱۳
۷۲-۶۵	۲۲	حج	۶۶	۴۶	۴۲-۱	۸۰	عبس	۲۴	۱۴
۴۱-۳۰	۲۱	انبیاء	۳۷	۴۷	۴۲-۱	۸۰	عبس	۱۷	۱۵
۸۲-۶۶	۱۹	مریم	۶۷	۴۸	۴۶-۲۷	۷۹	نازعات	۳۵	۱۶
۸۲-۶۶	۱۹	مریم	۶۶	۴۹	۲۲-۱	۷۶	انسان	۲	۱۷
۵۹-۵۴	۱۸	کهف	۵۴	۵۰	۲۲-۱	۷۶	انسان	۱	۱۸
-۹۴	۱۷	اسراء	۱۰۰	۵۱	۴۰-۳۱	۷۵	قیامه	۳۶	۱۹
۱۰۰									
۸۴-۷۸	۱۷	اسراء	۸۳	۵۲	-۱	۷۵	قیامه	۱۴	۲۰
					۳۰				
۷۰-۶۱	۱۷	اسراء	۶۷	۵۳	-۱	۷۵	قیامه	۱۳	۲۱
					۳۰				
۶۰-۵۳	۱۷	اسراء	۵۳	۵۴	۳۰-۱	۷۵	قیامه	۱۰	۲۲
۲۲-۱۱	۱۷	اسراء	۱۳	۵۵	۳۰-۱	۷۵	قیامه	۵	۲۳
۲۲-۱۱	۱۷	اسراء	۱۱	۵۶	۳۰-۱	۷۵	قیامه	۳	۲۴
۹-۱	۱۶	نحل	۴	۵۷	۳۵-۱	۷۰	معارج	۱۹	۲۵
۴۴-۲۶	۱۵	حجر	۲۶	۵۸	۱۷-۱۱	۵۹	حشر	۱۶	۲۶
۳۴-۲۸	۱۴	ابراهيم	۳۴	۵۹	۲۵-۱	۵۵	رحمن	۱۴	۲۷
۶-۱	۱۲	یوسف	۵	۶۰	۲۵-۱	۵۵	رحمن	۳	۲۸
۲۴-۹	۱۱	هود	۹	۶۱	۶۲-۳۳	۵۳	نجم	۳۹	۲۹
۲۰-۱۱	۱۰	یونس	۱۲	۶۲	۲۵-۱	۵۳	نجم	۲۴	۳۰
۳۳-۲۶	۴	نساء	۲۸	۶۳	۲۹-۱۶	۵۰	ق	۱۶	۳۱
۷۴۷		مجموع آیات مورد بررسی در سیاق‌ها			۲۰-۱۱	۴۶	احقاف	۱۵	۳۲

این پژوهش به دنبال بررسی یک موضوع خاص (رفتار انسان) در قرآن کریم است. بنابراین مسیر پژوهشی خود را بر اساس «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» که ویژه همین رویکرد است تنظیم نموده است.^۱ بر اساس این روش تحقیق، پس از ساعت‌ها جلسه هم‌فکری با کارشناسان معارف اسلامی و مدیریت و با رجوع مکرر به قرآن کریم و جمع‌بندی متون مدیریت، کلیدواژه «الْإِنْسَان» برای پیگیری مسیر پژوهش انتخاب شد. تجزیه و تحلیل و بررسی کلید

۱. به منظور اطلاعات بیشتر ر. ک. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ دکتر محمدعلی لسانی فشارکی و دکتر حسین مرادی زنجانی.

واژه‌ها نه صرفاً محدود به آیه حاوی کلیدواژه، بلکه شامل بررسی آیات قبل و بعدی نیز می‌شود که از این طریق، بافت مفهومی (سیاق) آیات نیز مد نظر قرار می‌گیرند. به چنین مجموعه آیاتی که دارای بافت مفهومی یک‌پارچه‌ای هستند در اصطلاح علوم قرآنی «رکوعات قرآنی» می‌گویند. بنابراین رکوعات مربوط به کلیدواژه «الْإِنْسَان» - مجموعه آیات قبل و بعد از آیه اصلی حاوی کلیدواژه - مشخص شدند. در میان ۶۳ رکوع قرآن کریم، در مجموع ۶۵ بار به «الْإِنْسَان» اشاره شده است. آیات مربوطه براساس مسیر ذکر شده در روش تحقیق، تدوین شده و بررسی، ثبت، دسته‌بندی و نتیجه‌گیری شدند و نتایج آن در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

«روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، بر اساس مستندات دینی و همچنین یافته‌های علمی و ده‌ها سال تجربه عملی، ارائه شده است و فرآیندی گام‌به‌گام و مشخص را جهت تدبر و بهره‌گیری از قرآن کریم پیشنهاد می‌کند. فرآیندهای این روش پژوهش در چگونگی ثبت و دسته‌بندی و تحلیل داده‌های دریافت شده از قرآن کریم، بسیار با روش طبقه‌بندی^۱ و روش تحقیق داده‌بنیاد^۲ نزدیکی دارد. فرآیندهای رفت و برگشتی، انتزاعی‌سازی سلسله مراتبی مفاهیم، توجه به بافت آیات و زمینه متن، از مواردی است که در این روش مورد توجه قرار می‌گیرد.

مبنای لغت‌شناسی پژوهش حاضر بر اساس کتاب مشهور «التحقیق فی کلمات قرآن الکریم» نوشته «علامه مصطفوی^۳» است. این کتاب از معتبرترین منابع لغت‌شناسی قرآن کریم است که در آن علاوه بر مطالعه تطبیقی تعداد زیادی از کتب لغت مشهور، به تبیین مفاهیم ریشه‌ای کلمات و مشتقات آن‌ها می‌پردازد. در این کتاب علاوه بر تحلیل‌های رایج، به اشتقاق کبیر و صغیر، ساختار متن و حتی معادل‌های عبری لغت و... توجه می‌شود. همچنین ترجمه‌هایی که در ذیل آیات این مقاله ذکر شده، بر اساس ترجمه شیخ حسین انصاریان، ترجمه فولادوند و همچنین ترجمه ارائه شده در تفسیر نور تدوین شده است.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

از منظر قرآن کریم، رفتار انسان یکی از مهم‌ترین ابعاد تحلیلی اوست است. بدین صورت که در بیشتر موارد هنگامی که در قرآن بحث از انسان می‌شود، تکیه محوری بحث، ارائه یک «تحلیل» از چگونگی، ماهیت و عوامل موثر بر رفتار انسان است.

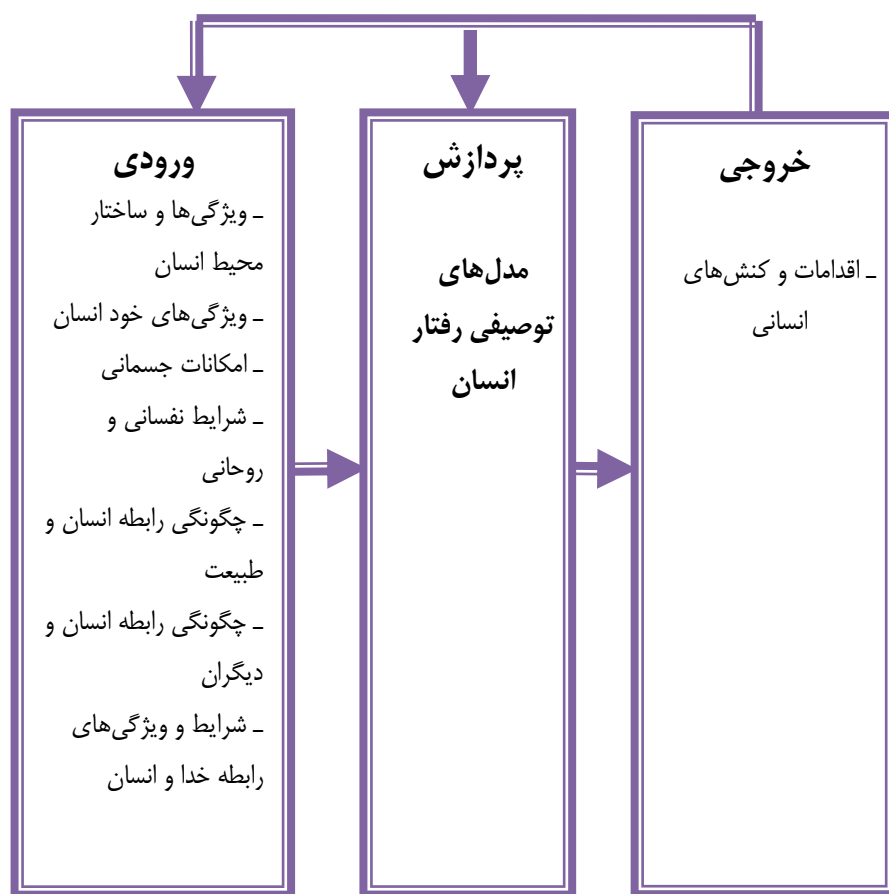
قرآن کریم هنگامی که به تحلیل رفتار انسان می‌پردازد نگاهی نظام مند (سیستمی) به ابعاد مختلف رفتار انسان دارد. در قرآن کریم در تحلیل رفتار انسان به این نکته‌ها توجه و تأکید می‌شود که: ۱. شرایط اولیه بر رفتار انسان موثرند؛ ۲. انسان‌ها تحت تأثیر مدل‌های توصیفی رفتار عمل می‌کنند؛ و ۳. رفتارهای انسان‌ها تأثیراتی دوباره بر شرایط و مدل رفتار انسان‌ها دارد. به

1. Classification

2. Grounded Theory

همین دلیل مدل بدست آمده و تحلیل انجام شده در این پژوهش، ماهیت سیستمی دارد. در مدل «سیستمی رفتار انسان» (نمودار ۲) که از قرآن کریم استخراج شده، بیان می‌شود که تحلیل مدل‌های رفتاری انسانی بایستی در تعامل با دیگر اجزای سیستمی تأثیرگذار بر آن انجام شود. یعنی برای ارائه تحلیلی معتبر از رفتار انسان بایستی به صورت نظام‌مند به درک چگونگی تأثیر ورودی‌ها و خروجی‌های رفتاری بر مدل‌های رفتاری انسان پرداخت.

بازخور



نمودار ۲: مدل سیستمی رفتار انسان از منظر قرآن کریم

مدل ارائه شده در نمودار شماره دو بر اساس نگاه نظام‌مند قرآن کریم به رفتار انسان شکل گرفته و قابل توجه است که در قرآن هنگامی که به موضوع انسان می‌پردازد، به جایگاه محوری مدل‌های توصیفی رفتاری انسان در تحلیل سیستمی رفتار انسان توجه دارد و برای آن نقشی ممتاز قائل است.

در این جا در توضیح نمودار شماره دو به برخی از آیه‌ها و شواهدی استناد می‌شود که بیان می‌کند قرآن کریم در هنگام تحلیل رفتار انسان، بر «وجود و رابطه سیستمی تمامی عناصر نمودار شماره دو در رفتار انسان» تأکید دارد. تعداد آیه‌هایی که در طی پژوهش جمع‌آوری شدند و قابلیت استناد در هریک از بخش‌های این مقاله را داشتند بسیار زیاد بوده و ارجاع به تمامی آن‌ها از ظرفیت این مقاله خارج بود. بنابراین در این مقاله به صورت گزینشی و به حد کفایت به برخی از آیات در میان دیگر آیات متعدد استناد شده است:

- ورودی‌ها: که پنج مورد و شامل موارد زیر است:

۱. ویژگی‌ها و ساختار محیط انسان. در قرآن کریم نسبت به شرایط محیطی و ویژگی‌های ساختاری محیطی انسان و ارتباط و تأثیر آن‌ها با رفتار انسان تأکید می‌کند. یعنی شرایط زمانی و مکانی انسان مانند ظرف‌هایی هستند که انسان در درون (مظروف) این ظرف‌های زمان و مکان قرار گرفته و خودش و رفتارش تحت تأثیر آن‌هاست. قرآن کریم به هنگام بیان این شرایط محیطی، از ساختار ادبی به اصطلاح «ظرفیه» استفاده می‌کند.

- (العصر : ۲ و ۳) وَالْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ.

انسان در محیط و ظرف ضرر قرار دارد. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند.

- (البلد : ۴) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ.

خلقت انسان (در ظرف و محیط) سختی و مشقت است

- (التین : ۴-۶) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ.

که ما انسان را در نیکوترین ساختار و نظام آفریدیم... . مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پس آنان را پاداشی بی‌منت و همیشگی است.

۲. ویژگی‌های موجود در خود انسان. در قرآن کریم انسان را از لحاظ جسمانی و روحانی دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی می‌داند. همچنین قرآن کریم هنگام بیان این ویژگی‌ها که این

ویژگی‌ها به چگونگی رفتار و عملکرد انسان می‌پردازد و از این طریق بر رابطه آن‌ها صحه می‌گذارد.

ویژگی‌های جسمانی:

- (الإنسان : ۲) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ ... فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً...

پس انسان را شنوا و بینا (آگاه نسبت به خود) قرار دادیم

- (البلد: ۸-۱۱) أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَ لِسَاناً وَ شَفَتَيْنِ (۹) وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰) فَلَا أَفْتَحَمَ الْعُقَبَةَ (۱۱)

آیا برای انسان دو چشم قرار ندادیم؟ (۸) و یک زبان و دو لب؟ (۹) و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم [تا راه خیر را بگزیند و راه شر را واگذارد؟] (۱۰) پس شتابان و با شدت به آن گردنه سخت وارد نشد (۱۱)

و موارد متعدّد دیگر مانند: چگونگی خلقت انسان از لحاظ ماده و فرآیند خلقت انسان که بر رفتار و عملکرد انسان موثر هستند.

حالات درونی نفسانی و روحانی: قرآن علاوه بر ویژگی‌های مادی انسان، حالات درونی و ویژگی‌های نفسانی او را موثر در چگونگی عملکرد او می‌داند. البته این حالات درونی و نفسانی اثرگذاری بیشتری را نسبت به عوامل جسمانی در رفتار انسان دارند. نفس انسان مرکز پردازش ورودی‌های سیستم رفتاری جهت اقدام است. نفس انسان دارای انواع و ویژگی‌هایی است که انسان‌ها تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند. در قرآن کریم به انواع نفس انسان توجه کرده و آن‌ها را برشمرده و به صراحت بیان می‌کند که از منشأهای اصلی چگونگی رفتار انسان‌ها، کیفیت نفس آن‌هاست که او را وادار به اقدام می‌کند.

- (ق: ۱۶) وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلِمُ مَا تُسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ.

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که نفس انسان به او وسوسه می‌کند، می‌دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم.

- (الفجر: ۲۷) يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

ای نفس آرام و مطمئن ... (یکی از انواع نفس)

نفس انسان و حالات درونی او از مهم‌ترین عوامل موثر بر چگونگی رفتار او هستند به گونه‌ای که در قرآن به منظور تأکید بر تأثیر نفس، گاهی به جای انسان، نفس او را انجام‌دهنده (فاعل) رفتارهایش ذکر می‌کند و سپس با ذکر مجدد «انسان» به عنوان «فاعل» کارهایش، این نکته را یادآوری می‌کند که آن جایی که نفس را فاعل رفتارهای انسان می‌داند نه از روی سهو و یا غفلت و بلکه بدلیل دقت حکیمانه به نقش محوری نفس بوده است.

- (الانفطار: ۵ و ۶) عَلِمْتَ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ.

هر نفسی آن چه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته بداند. ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده است؟

در مجموع، آن چه که در ادبیات مدیریت رفتار سازمانی به عنوان ریشه‌های رفتاری انسان شناخته می‌شود، یکی از موارد ورودی‌های مدل ۲ هستند. مثلاً، ریشه‌های روانشناختی رفتار انسان که تحت موضوعاتی چون انگیزش، ادراک، معرفت‌پذیری، نگرش و ... بیان می‌شوند در مدل ۲ در ذیل «شرایط نفسانی و روحانی» انسان که از مصادیق «ویژگی‌های خود انسان» است قرار می‌گیرند.

۳. چگونگی رابطه انسان و محیط طبیعی خود. هنگام بررسی موضوع انسان در قرآن مشاهده می‌شود که در بافت مجموعه آیات حول انسان (ر. ک. رکوعات قرآنی در بخش روش تحقیق) به عناصر طبیعت اشاره شده است. زمین، ماه، آسمان، خورشید، اوقات مختلف شبانه‌روز، حیوانات و غذای انسان از مواردی که به صورت متعدد مورد اشاره قرار گرفته‌اند. برای نمونه در سوره انشقاق (آیات ۱-۶) پس از ذکر ویژگی‌هایی از آسمان و زمین به یکی از مدل‌های رفتاری انسانی اشاره می‌کند و بدین ترتیب رابطه محکم میان این عناصر طبیعی با رفتار انسانی را تذکر می‌دهد:

– إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُفَّتْ (۲) وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳) وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ (۴) وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُفَّتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

۴. چگونگی رابطه انسان و دیگران. از موارد مهم در قرآن هنگام تبیین رفتار انسان، چگونگی جایگاه و رابطه انسان با دیگر افراد است. چگونگی جایگاه و نسبت انسان با دیگر مؤمنان دینی، نزدیکان، پدر و مادر، یتیم، مسکین و مانند اینها از جمله موارد متعددی هستند که در آن قرآن کریم به تبیین نسبت و جایگاه انسان‌ها با دیگر افراد بنا به جایگاه‌های متفاوتشان می‌پردازد. که انسان‌هایی که در اطراف انسان هستند هر کدام بنا به نسبت خود با او و جایگاهشان اقتضائاتی خاص دارند و رفتار انسان‌ها نسبت به آن‌ها تأثیراتی مختلف خواهد داشت. (العنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱؛ الأحقاف: ۱۵؛ المعارج: ۱۰-۱۴؛ عبس: ۳۵ و ۳۶؛ البلد: ۱۵-۱۷ ...).
– (الأحقاف: ۱۵) وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ...

۵. شرایط و ویژگی‌های رابطه خدا و انسان. قرآن کریم مهم‌ترین مسأله‌ای که در تحلیل رفتار انسان مورد توجه و بحث قرار می‌دهد، چگونگی تعامل خداوند سبحان با انسان است. این امر در تمامی شصت و پنج دفعه‌ای که در قرآن مستقیماً به موضوع انسان پرداخته شده

قابل مشاهده و تأمل است. در مجموعه این آیات و آیات قبلی و بعدیشان، هر دو طرف این تعامل، یعنی رابطه خداوند متعال با انسان و رابطه انسان با خداوند متعال به تفصیل بیان شده است. مثلاً در مورد چگونگی رابطه خداوند با انسان می‌توان به نقش خالق انسان، معلم انسان، مسلط (و محیط) بر اعمال و رفتارهای انسان، هدایت‌کننده انسان، عذاب‌دهنده و رحمت‌گر بر انسان، امتحان‌کننده انسان تغییردهنده شرایط انسان، سخت‌گیر و آسان‌گیر بر او،... اشاره کرد. همچنین انسان خواه ناخواه در تلاش برای ملاقات خداست و همچنین نسبت به خداوند ناسپاس، فراموش کار، شکاک است. به تصریح قرآن هر دو جنبه این روابط منجر به تأثیر در چگونگی رفتار انسانی می‌شود.

– (العادیات: ۶) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است، (۶)

– (علق: ۱-۸) أَفَرَأَى بِإِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) أَفَرَأَى وَرَبِّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵) كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى (۶) أُن رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۷) إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَى (۸)

بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (۱) انسان را از علق آفرید. (۲) بخوان، و پروردگار تو کریم‌ترین [کریمان] است. (۳) همان کس که به وسیله قلم آموخت. (۴) آنچه را که انسان نمی‌دانست [بتدریج به او] آموخت. (۵) حقا که انسان سرکشی می‌کند، (۶) همین که خود را

بی‌نیاز پندارد. (۷) در حقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست. (۸)

– (الانفطار: ۶) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ.

ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده است؟

(النساء: ۲۸) يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا.

خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است.

و دیگر موارد متعدد ...

– پردازش:

مدل‌های توصیفی رفتاری انسان. همان‌گونه که مشاهده شد «مدل‌های توصیفی رفتاری انسان»، جایگاه عنصر «پردازش» در «مدل سیستمی رفتار انسانی» را دارند. یعنی انسان‌ها تحت تأثیر ورودی‌هایی گوناگون و اقتضایی بر مدل‌های رفتاری شان، اقدامات و رفتارهای خود را انجام می‌دهند. مدل‌های رفتاری، الگوها و چهارچوب‌هایی هستند که انسان‌ها در قالب آن‌ها به اقدام می‌پردازند.

سوره مبارکه اسراء اصلی‌ترین سوره قرآن کریم در تحلیل رفتار انسان است. بیش‌ترین تکرار «الانسان» در این سوره بوده و می‌توان تمامی سوره را از بُعد تحلیل رفتاری انسان بررسی کرد. در همین سوره است که به مهم‌ترین قسمت «مدل سیستمی رفتار انسان»، یعنی «مدل‌های توصیفی رفتاری» می‌پردازد. در آیه ۸۴ این سوره، قرآن کریم در حین آن که به تحلیل یکی از مدل‌های رفتاری انسان (مستقیماً با ذکر لفظ «انسان») می‌پردازد به روشنی بیان می‌کند که تمامی انسان‌ها مدل‌هایی رفتاری داشته و انسان‌ها بر اساس چنین چارچوب‌هایی رفتار می‌کنند.

- قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلَتِهِ

علامه طباطبایی^۹ نیز در تفسیر المیزان، پس از آن که منابع لغوی مختلف را در معنی «شاکله» بررسی می‌کند، به این جمع‌بندی می‌رسد که «شاکله»، همان چارچوبی است که انسان‌ها به اقتضای آن رفتار می‌کنند و تحت‌تأثیر عوامل درونی در انسان‌ها و عوامل بیرونی، رفتار انسان‌ها را شکل می‌دهد. و این همان مفهوم «مدل‌های رفتاری» در انسان‌ها است. همچنین علامه با بررسی شواهد دیگر آیات و توضیحاتی فلسفی تأکید می‌کند تأثیرپذیری رفتار انسان از چارچوب این مدل‌های رفتاری نه از باب علیّت و بلکه بنا به اقتضاست. یعنی همان چیزی که این پژوهش در مورد مدل‌های رفتاری انسان به‌دست آورده و آن‌ها را قسمت «پردازش» مدل سیستمی رفتار انسان می‌داند و بیان می‌کند که مدل‌های رفتاری تحت‌تأثیر (پردازش) ورودی‌های رفتاری، رفتارهای انسانی را شکل می‌دهند؛ نه این که خودشان علت رفتار انسان باشند. (علامه طباطبایی، ج: ۱۳ ص: ۲۶۱-۲۶۸)

در این جا در ادامه توضیح مدل ۲ (مدل سیستمی رفتار انسان از منظر قرآن) به برخی از مدل‌های رفتاری بیان شده در قرآن کریم اشاره می‌شود و البته احصاء و تبیین تمامی مدل‌های توصیفی رفتاری در قرآن کریم نیازمند پژوهش مستقل و مفصلی است. برای درک بهتر مدل‌های توصیفی رفتاری انسان که از قرآن کریم استخراج شده اند، بعضاً به نقش و جایگاه این مدل‌ها نیز در مباحث علمی مرتبط اشاره خواهد شد. استفاده‌ی آگاهانه و حتی ناخودآگاه (یا غیرمستقیم) مباحث مختلف علمی از این مدل‌ها، نشان‌گر اهمیت مدل‌های رفتاری در علوم است. تأکید می‌شود که در این تحقیق سعی شده استقلال لازم هنگام رجوع و استنباط از قرآن کریم حفظ شود و مثال‌ها و کاربردهای ذکر شده، پس از احصاء این مدل‌ها از متن قرآن کریم بوده و به صورت تطبیقی برای روشن تر شدن مدل‌های رفتاری (به جهت جدیدتر بودن این مفهوم آن‌ها)، آورده شده‌اند:

بیش خواهی. انسان همواره به دنبال بیشتر کردن منافع و مطلوبیت‌های خود است. این طلب بیشتر و بیشتر محدودیت و سقفی نداشته و او به شدت تمام و خستگی ناپذیر از این مدل رفتاری پیروی می‌نماید.

- (فصلت: ۴۹) لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ

انسان از مطالبه و پیگیری مطلوبیت (بیشتر و بیشتر) خسته نمی‌شود

- (العادیات: ۸) وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

و همانا انسان سخت دوستدار و شیفته کسب مطلوبیت است.

استفاده رایج از این مدل رفتاری را می‌توانیم در اصول موضوعه‌های^۱ علم اقتصاد نیز مشاهده نماییم. در آنجا بیان می‌شود که قواعد و فرمول‌های اقتصادی بر اساس قاعده «هرچه بیشتر بهتر» (The more is the better) تنظیم شده‌اند (کالوو و واگ، ص ۸). مثلاً هنگام ترسیم مدل‌های مطلوبیت با توجه به محدودیت‌ها بیش‌ترین مطلوبیت ممکن ترسیم می‌شود (نیلی، صص ۲۵ و ۲۸). همچنین از اصول بسیار مورد استفاده و تحلیلی مباحث مدیریت مالی «فرض سیری ناپذیری» است (شارپ و دیگران، ص ۳۳۸). یعنی انسان‌ها فارغ از میزان ثروت و مکت، همواره به دنبال بیشتر کردن مطلوبیت خود بوده و محدودیتی برای خود در این رابطه قائل نمی‌شوند. این اصل با عنوان «اصل عدم اشباع» نیز شناخته می‌شود (قدیری اصلی و دیگران، ص ۴۰).

- حساسیت به تغییر مطلوبیت. انسان‌ها نسبت به کم و زیاد شدن مطلوبیت‌های خود بسیار حساسند و واکنش‌های شدیدی را نسبت به تغییر در آن نشان می‌دهند. در صورت تحقق و یا عدم تحقق مطلوب‌هایشان بی‌تابانه واکنش‌های شدید روحی و رفتاری در انسان‌ها پدیدار می‌شود.^۲

- (المعارج: ۱۹-۲۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا.

همانا انسان بی‌تاب و حساس آفریده شده است. چون امری نامطلوب به او رسد، بی‌تاب است. و هنگامی که مطلوبیتش به او رسد، بسیار بازدارنده است.

- (فصلت: ۴۹) لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ

انسان از درخواست مطلوبیت (بیشتر) خسته نمی‌شود، و اگر در مقابل این، نامطلوبی به او رسد به شدت مأیوس [و] ناامید می‌شود.

۱. آکسیوم

۲. در ادبیات علم اقتصاد این مفهوم با عبارت «حساسیت» و یا «کشسانی» (Elasticity) ذیل مباحث مطلوبیت حاشیه‌ای بیان می‌شود.^۲

در تبیین پدیده «مخاطره‌گریزی» انسان‌ها، در تحلیل‌های مالی ذکر می‌شود که انسان‌ها نسبت به مطلوبیت خود بسیار حساس هستند (شارپ و دیگران، ص ۲۳۹). این امر به گونه‌ای است که در «اصل برابری وضع نهایی»^۱ بیان می‌شود که انسان‌ها حتی از احتمالات منصفانه نیز اجتناب می‌نمایند. یعنی اگر در اقدامی، احتمال دست‌یابی به سود در مقابل پرداخت هزینه به صورت ۵۰-۵۰ باشد، باز هم انسان نسبت به مقدار احتمالی از دست دادن سود بیشتر حساس بوده و بنابراین از این اقدام و ریسک اجتناب می‌نماید (ساموئلسون و هاوس، ص ۱۷۰).

- وابستگی منابع. انسان نسبت به احتمال کمبود منابع مادی واهمه شدید داشته و از آن گریزان است. و این تأثیر عمده‌ای بر اقدامات و رفتارهای او خواهد داشت. این واهمه نسبت به احتمال فقدان منابع به گونه‌ای است که خداوند متعال اشاره می‌کند اگر فرض کنیم که انسان متولی دارایی‌ها و منابع شخص دیگری بود (مال خود او نبود) و این منابع به گونه‌ای بود که وسعتی نامحدود به اندازه وسعت رحمت الهی داشت، باز انسان‌ها از ترس کم شدن این منابع از واگذاری بخشی از آن اجتناب می‌نمودند. یعنی این وابستگی به منابع امری ریشه‌ای در انسان است:

– (الإسراء: ۱۰۰) قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا

بگو: اگر شما مالک منابع رحمت پروردگارم بودید، در آن صورت از ترس [کمبود] از انفاق کردن آن خودداری می‌ورزیدید و انسان همواره بسیار دارای بخشش کم است. شدت دغدغه خاطر انسان نسبت به کمبود منابع و چگونگی برخورد با این مسأله به گونه‌ای است که صاحب‌نظران بیان می‌کنند که علم بسیار مهم اقتصاد، اصلاً برای حل مشکل کمبود از انسان وضع شده است (سالواتوره، ص ۱؛ ساموئلسون و هاوس، ص ۷) و از همین رو تعاریف کارشناسان از علم اقتصاد بر اساس چگونگی برخورد با کمبود منابع است (کالوو، ص ۴؛ نیلی، ص ۱۹؛ قدیری اصلی و دیگران، ص ۴۲۸). این مدل رفتاری انسان‌ها بر چگونگی رفتار سازمان‌هایی که انسان‌ها در آن فعالیت می‌کنند نیز تأثیر مستقیم داشته است. در تحلیل‌های توصیفی از مدل‌های رفتاری سازمان‌ها بیان می‌شود که رفتار سازمان‌ها بر اساس نگرانی خود نسبت به کمبود منابع و چگونگی تلاش جهت محافظت و دسترسی به منابع محیطی قابل تحلیل و تبیین است. «نظریه وابستگی منابع»، این مدل رفتاری را معیاری مناسب برای درک بهتر رفتار سازمان‌ها می‌داند (دفت، ص ۹۰۴).

- **عینی‌گرایی.** انسان تمایل زیادی به باور ملموسات و محسوسات خود دارد و تا نمونه‌ای را به صورت عینی و مصداقی نبیند و حس نکند - اگرچه از لحاظ برهان و منطق کامل باشد - آن را به شدت انکار نموده و با آن مقابله می‌نماید. به بیان قرآن، از تمامی مسائل، نمونه‌هایی برای انسان آورده و ذکر شده، زیرا که چنین انکاری از جانب انسان در میان دیگر موجودات منحصر به فرد است:

- (الکهف: ۵۴) وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

بی‌تردید در این قرآن از هر گونه نمونه‌ای (عینی) برای مردم بیان کردیم [زیرا انسان موارد غیر عینی را رد می‌کند] و انسان از هر چیزی برخوردار است و سستی‌جو تر دارد. در همین راستا می‌توان توجه کرد که عینی‌گرایی از رویکردهای مطرح و با سابقه ادبیات سازمان و مدیریت بوده و هست. علیرغم این که نگرش‌های متعددی در انتقاد از عینی‌گرایی مطرح شدند ولی همچنان رویکردهای عینی‌گرایی اعتبار و استفاده گسترده خود را حفظ کرده‌اند. و این را می‌توان به انسان‌هایی نسبت داد که این عینی‌گرایی را می‌پسندند و به راحتی آن‌ها را نمی‌سازند.

- **زود خواهی.** هر چه زودتر بهتر! انسان به دنبال تحقق سریع‌تر و زودتر نتایج و آثار است. قرآن کریم ریشه این مدل رفتاری را در خلقت انسان می‌داند:

- (الانبیاء: ۳۷) خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ...

انسان از شتاب و عجله آفریده شده است ...

و بارها انسان بدلیل رفتار در چارچوب چنین مدل رفتاری، نتایج نامطلوب گرفته است:

- (الإسراء: ۱۱) وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا

و انسان در پی دست‌یابی به مطلوب خود، نامطلوب‌ها را می‌طلبد [و این به آن دلیل است که] انسان بسیار عجل است.

به همین دلیل است که در تحلیل‌های سیستمی از چگونگی رفتار انسان‌ها در سیستم‌های اجتماعی بیان می‌شود که «تأخیرهای زمانی» (یعنی آن عکس‌العمل‌های سیستمی که به سرعت بروز نمی‌کنند و با تأخیر زمانی مشاهده می‌شوند)، از مهم‌ترین دلایل انحرافات تصمیم‌گیری و ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های سازمانی و عمومی است. زیرا انسان‌ها عجل بوده و نمی‌توانند این تأخیرهای زمانی که امری بسیار رایج در طبیعت اطراف ماست را درک نمایند (Forrester, 1971). مدل رفتاری «زودخواهی» مورد توجه آشکار و پنهان دیگر مباحث علوم نیز بوده است. مثلاً در تحلیل‌های مالی، بیان می‌شود که قابلیت نقدشوندگی بدون تغییر اعتبار دارایی، در حقیقت همان تمایل انسانی به تحقق سریع‌تر تبدیل اعتبارات است (شارپ و دیگران، ص ۲۱۱).

همچنین در علم اقتصاد ذیل «اصل ارجحیت زمانی» بیان می‌شود که همواره در نزد انسان‌ها «زودتر» نسبت به «دیرتر» ترجیح دارد (قدیری اصلی و دیگران، ص ۳۵۱).

- عدم عقلانیت ابزاری. انسان برای رسیدن به مطلوب خود و یا بیشتر کردن مطلوبیت خود اقداماتی را انجام می‌دهد که - بالعکس - منجر به نتایج نامطلوب می‌گردد.
 - (الإسراء: ۱۱) وَ يَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولاً
 و انسان در پی دستیابی به مطلوب خود، نامطلوب‌ها را می‌طلبد و انسان بسیار شتابزده و عجول است.

این مفهوم در ادبیات مدیریت در ذیل عدم عقلانیت کامل انسان بیان می‌شود. برخی نظریات بیان می‌دارند که انسان در پی دستیابی به مطلوبیت خود ناتوان از تحقق مطلوبیت کامل است پس به نتایجی با مطلوبیت کمتر و یا حتی نامطلوب نائل می‌گردد (Simon, 1957; Abdollahi Neisiani, 2010; قدیری اصلی و دیگران، ص ۸۲).

- وابستگی به نیاز. انسان به نیاز خود وابسته است و بر اساس احساس و ادراک خود نسبت به نیازش رفتارش را کنترل می‌کند. از همین روست که اگر انسان خود را بی‌نیاز احساس نماید امکان اقدام به هر کار و عملی حتی خارج از حدود و مرزهای تعریف شده وجود دارد.
 - (العلق: ۶-۷) كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ
 ... مسلماً انسان سرکشی می‌کند. برای اینکه خود را بی‌نیاز می‌پندارد.

دانشمندان علوم رفتاری و روانشناسی انسان، نیاز را عامل اصلی تبیین چرایی و چگونگی رفتار انسان می‌دانند (رضائیان، ص ۹۲). در علم بازاریابی با آگاهی از این مدل انسانی بسیاری از سیاست‌ها و راهبردهای خود را پیش می‌برد. در بازاریابی با تحت تأثیر قرار دادن و مدیریت نیازهای انسانی، رفتار او را در جهت مورد نظر مدیریت می‌نمایند. از این رو مواردی چون: تشخیص نیازهای انسانی و تعریف آن و حتی نیازسازی از مفاهیم اساسی بازاریابی هستند (کاتلر، صص ۵۹-۶۲).

- خروجی‌ها

رفتارها و کنش‌های انسانی. در تمامی شواهدی که از آیات قرآن کریم در توضیح ورودی و پردازش مدل ۲ ارائه شد، تأثیر آن‌ها بر رفتار انسان (خروجی مدل سیستمی ۲) نیز ذکر شده و قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، در مدل وابستگی به نیاز ذکر شد که رفتار سرکشی انسان تحت تأثیر مدل رفتاری وابستگی به نیاز اوست و مانند آن.

از منظر قرآن هنگام طبقه بندی نوع اقدامات و رفتارهای انسانی، به دو نوع تقسیم‌بندی تکیه می‌شود. گاهی کافرین در مقابل ابرار یا نیکان (الانسان، آیات ۴ و ۵)؛ و گاهی در مقابل شکر گذار (الانسان، آیه ۳)؛ گاهی فجار در مقابل نیکان (انفطار)؛ خوشبختان در مقابل بدبختان (البلد، آیات ۱۸ و ۱۹) و مانند آن. به طور کلی می‌توان رفتارهای انسانی را از منظر قرآن در دو قسمت صحیح و غلط دید. این اعمال انسانی به صراحت قرآن بر دیگر عناصر مدل سیستمی رفتار انسان تأثیر می‌گذارند و بنابراین بر عناصر مدل سیستمی رفتار انسان، تأثیر بازخوری دارند.

- بازخورها. قرآن کریم بیان می‌دارد که هر چه به انسان بر می‌گردد و تمامی شرایط و ظرفیت‌هایی که انسان با آن‌ها مواجه است بازخور رفتارها و اقدامات خود اوست:

- (النجم: ۳۹) وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

نتیجه اعمال انسانی هم بر ورودی‌ها و هم بر مدل‌های رفتاری تأثیر دارد. این تأثیرات به صورت یأس، کفر، خوشحالی، ممانعت از کار خیر، طغیان، ناله و فغان، بخل ورزی و ... در انسان بروز می‌نماید.

- (هود: ۹-۱۰) وَ لَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسُ كَفُورٌ. وَ لَئِنْ أَدْقْنَا نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَه لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ،

و اگر از سوی خود رحمتی [چون سلامتی، ثروت، اولاد و امنیت] به انسان بچشانیم، سپس آن را از او سلب کنیم بسیار نومید شونده و بسیار کفران کننده است. (۹) و اگر پس از گزند و آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاهی به او بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: همه آسیب‌ها از فضای زندگی‌ام رفت [و دیگر آسیبی نمی‌بینم و] مسلماً در آن حال بسیار شادمان و خودستا خواهد بود. (۱۰)

- (الإسراء: ۸۳) وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا.

و زمانی که به انسان نعمت می‌بخشیم [از ما] روی بگرداند و خود را مغرورانه از ما دور کند، و هنگامی که آسیبی به او برسد [به سبب بی‌ایمانی و غفلت از قدرت و رحمت ما] بسیار نومید و مأیوس شود.

- (الزمر: ۸) وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ.

و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او [برای برطرف شدن آسایش] می‌خواند، سپس چون او را [برای رهایی از آن آسیب] نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش‌تر برای برطرف شدنش دعا می‌کرد، فراموش می‌کند و دوباره برای خدا

همتایانی قرار می‌دهد تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. بگو: اندک زمانی از کفر خود برخوردار باش، بی‌تردید تو از اهل آتشی.

– (الزمر: ۴۹) فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

پس چون انسان را آسیبی رسد، ما را [برای برطرف کردنش] بخواند، سپس هنگامی که [برای برطرف شدن آسیب] از سوی خود نعمتی به او می‌دهیم، می‌گوید: فقط آن را بر پایه دانش و کاردانی خود یافته‌ام! [چنین نیست که می‌پندارد] بلکه آن نعمت آزمایشی است [که آیا به خاطر آن سپاس‌گزاری می‌کند یا به طغیان برمی‌خیزد؟] ولی بیشتر آنان [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند.

تحلیل مدل سیستمی رفتار انسان. با در نظر گرفتن مدل ۲ می‌توان جایگاه و چگونگی تأثیر عوامل مختلف را بر رفتار انسانی بررسی نمود. یعنی؛ متغیرهایی به صورت ورودی، مدل‌های رفتاری انسانی را تحت تأثیر قرار داده، و این مدل‌های رفتاری پردازش‌هایی اعمال نموده که به خروجی‌هایی به صورت اقدامات و کنش‌های انسانی منجر می‌شود. همچنین برای درک کامل‌تر سیستمی، بایستی تأثیر بازخوردی اقدامات و کنش‌های انسانی را بر قسمت پردازش (مدل‌ها) و ورودی‌های بعدی در نظر گرفت.

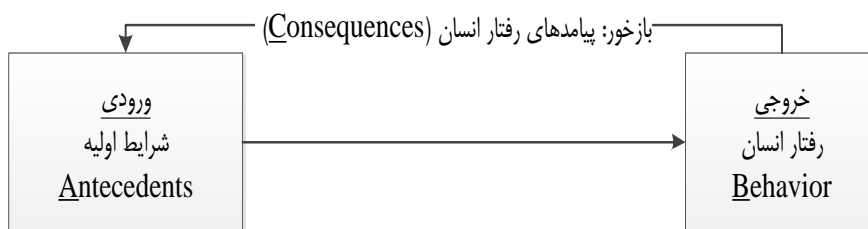
مدل سیستمی رفتار انسان ارائه شده براساس نگرش قرآن کریم، شباهت‌هایی اساسی با مدل A-B-C معروف به الفبای مدیریت دارد و البته در بررسی تفاوت‌هایی که با مدل A-B-C دارد مشخص می‌شود که از این مدل جامع‌تر بوده و مدل ارائه شده بر اساس نگرش قرآن کریم، از منظر سیستمی کامل‌تر است.

مدل A-B-C یک مدل توصیفی رفتار انسان است که اساس نظری آن برگرفته از تئوری شرطی‌سازی عامل است (رضائیان، ص ۸۹). در این مدل گفته می‌شود که مجموعه‌ای از شرایط بیرونی و یا حالات درونی به عنوان محرک اولیه وجود دارند که تحت تأثیر آن‌ها نوع رفتار انسان معین می‌شود. و البته هر رفتاری پیامدی محیطی دارد که رفتار تحت تأثیر آن پیامد تکرار شده و یا خاموش می‌شود. مدل A-B-C به صورت «اگر-پس» است (keritner1985, & Luthans). یعنی یک گزاره مشروط است و می‌گوید که اگر انسان در شرایط خاص (محرک اولیه) A قرار بگیرد پس احتمالاً رفتار B را خواهد داشت و اگر رفتار B بروز کند پیامد C را در پی خواهد داشت.

این تبیین از رفتار انسان در اصل خود، بیانگر همان نکته‌ای است «مدل توصیفی رفتار انسان» به دنبال آن است. بر اساس مفهوم مدل توصیفی رفتار انسان، هر مدلی که بیان کند

انسان‌ها در شرایط بیرونی و یا حالات درونی X ، رفتار Y را خواهند داشت، یک نوع مدل توصیفی رفتار انسان است و در مدل A-B-C نیز با توجه آن به نقش محرک اولیه (Antecedents) و تأثیرش بر رفتار (Behavior) و بازخوری که بر رفتار می‌آید (Consequences) مفهوم مدل رفتاری انسان را ارائه می‌کند. البته دقت شود که از آنجایی که مدل A-B-C برگرفته از یک مدل رفتاری خاص (شرطی‌شدن کنشگر) است و می‌خواهد این مدل خاص را تبیین کند، پس به دنبال ارائه نگاهی جامع از دیگر مدل‌ها نبوده و منحصر به مدل شرطی‌شدن کنشگر است. و به همین دلیل است که علاوه بر مدل شرطی‌سازی کنشگر سعی شده است که دیگر مدل‌های توصیفی رفتار (مانند مدل شرطی‌شدن کلاسیک و یا مدل یادگیری اجتماعی) را نیز با بیان مدل A-B-C ارائه کرده و بر آن ضمیمه کنند که مدل S-O-B-C نمونه‌ای از محصول این تلاش‌هاست (رضائیان، ۸۴).

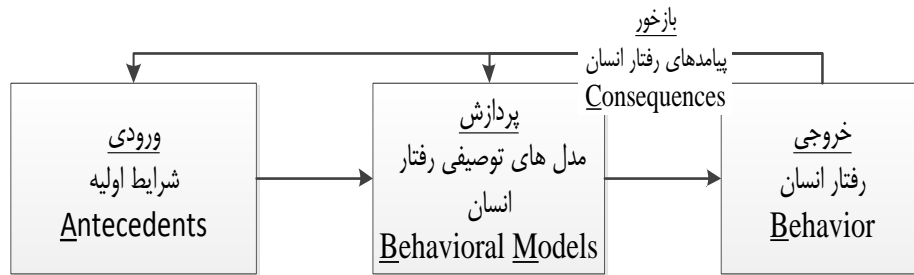
بر همین اساس اگر مدل A-B-C را بخواهیم با ادبیات سیستمی ارائه کنیم به صورت زیر می‌شود.



نمودار ۳. رفتار انسان براساس تبیین مدل A-B-C

از آن جایی که مدل A-B-C مدل توصیفی بنیادین خود را مفروض گرفته و منحصر به آن است، جایی را برای نقش نقش مدل‌های توصیفی در مدل خود ندیده است. و این نکته باعث شده که نتوان مدل فوق (شکل ۳) را از منظر سیستمی، مدلی با تبیینی کامل به حساب آورد. زیرا جایگاه قسمت «پردازش» در مدل‌های سیستمی در آن دیده نشده است و وجود ندارد. یعنی در این مدل بیان نمی‌شود که شرایط اولیه تحت تأثیر و پردازش چه عاملی به رفتار انسان تبدیل می‌شوند.

این درحالیست که در قرآن کریم به مجموعه‌ای از مدل‌های رفتاری انسان‌ها توجه داشته و آن‌ها را بیان کرده است و مدل سیستمی ارائه شده از آن کامل‌تر است:



نمودار ۴: مدل قرآن در تبیین رفتار انسان

شبهت‌ها و تفاوت‌های مدل ارائه شده بر اساس قرآن کریم با مدل A-B-C، کاملاً از لحاظ نظری توجیه‌پذیر بوده و بر اعتبار علمی پژوهش در استنباط مدل سیستمی رفتار انسان از قرآن کریم می‌افزاید. زیرا نشان می‌دهد که چنین نکته جدید علمی علاوه بر این که تلاش‌های قبلی محققین را نفی نمی‌کند، تبیین کامل تری نیز از آن‌ها ارائه می‌کند و همچنین در چارچوب نظامات کلی علم مدیریت رفتار سازمانی حرکت می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این تحقیق با رجوع به قرآن کریم یک مدل تحلیلی و سیستمی از چگونگی رفتار انسان ارائه داد. مدل ارائه شده موید و تکمیل‌کننده دیگر دستاوردهای دانشی موجود در علم رفتار سازمانی است؛ با استفاده از مدل‌های رفتاری دیگر نیازی نیست که در تحلیل‌های رفتاری انسان‌ها، تمامی مبانی و عوامل بنیادین رفتار همچون: حالات مختلف ادراکات و انگیزه‌ها، استرس، یادگیری و ... را احصا کرده و سپس در تبیین و تحلیل روابط بین آن‌ها سردرگم شویم! در واقعیت نیز، مثلاً هنگام تحلیل دلیل اقبال عمومی به نوع خاصی از سهام بازار بورس، از این مفاهیم بنیادین رفتار استفاده نمی‌شود. زیرا این مفاهیم صرفاً بر پیچیدگی و تحلیل‌ناپذیری رفتار انسان‌ها می‌افزایند. آنچه که مشاهده می‌شود استفاده خواسته و ناخواسته علوم مختلف (در این مثال، تحلیل‌های مالی و اقتصاد) از مجموعه‌ای از روابط بین مدل‌های رفتاری انسان‌هاست. البته، این مدل‌ها فارغ از مفاهیم بنیادین رفتاری نیستند؛ بلکه همانند بسته‌ای مفهومی عمل می‌کنند که بیان می‌کنند - با توجه به ادراکات و انگیزه‌ها و دیگر مفاهیم رفتاری - یک سری مدل‌های تکرارپذیر رفتاری در انسان‌ها وجود دارد که انسان‌ها تمایل دارند از آن مسیر و به آن روش‌ها رفتار نمایند. قرآن کریم برخی از این مدل‌های رفتاری را معرفی کرده و بنابراین زمینه استفاده از این مدل‌ها مهیا شده است. به جهت روشن‌تر شدن اهمیت و کاربرد این مدل‌ها به برخی مستندات علمی که به استفاده از این مدل‌ها اذعان دارند نیز اشاره شد؛

این مقاله به دنبال شناسایی و تبیین تمامی مدل‌های توصیفی رفتاری انسان نبوده و به حدی که مدل اصلی مقاله تبیین شود اکتفا شده است. همچنین به دلیل ماهیت پیچیده «مدل‌های توصیفی رفتاری انسان» و سخت بودن فرآیندها و ابزارهای فعلی پژوهش برای شناسایی و تبیین آن‌ها، محققین در عمل به صورت «جعبه سیاه» با مدل‌های رفتاری برخورد می‌کنند.^۱ یعنی محققین، شناخت مناسبی از چگونگی و ماهیت این جعبه سیاه ندارند و نمی‌توانند تبیین مناسبی از چگونگی عملکرد و رفتار آن ارائه کنند و هنگامی که می‌خواهند «جعبه سیاه» را بشناسند و آن را بررسی کنند، تأثیر آن را در چگونگی تبدیل ورودی‌ها به خروجی‌ها می‌سنجند. بدین صورت که ویژگی ورودی‌هایی که به جعبه سیاه (پردازش سیستم) وارد می‌شوند را بررسی کرده و می‌سنجند و سپس آن را با ویژگی خروجی‌هایی که این جعبه سیاه از آن ورودی‌ها ارائه می‌دهد مقایسه می‌کنند. می‌توان از منبع وحیانی و معتبر قرآن کریم، راه حلی برای پاسخ به چنین نیاز علمی موجود پیدا کرد و با انجام پژوهشی مفصل، مدل‌های توصیفی رفتاری انسان را از منظر قرآن معرفی و تبیین نمود؛

این تحقیق بر اساس کلیدواژه‌ای مشخص (الانسان) به قرآن کریم ورود کرده و به جستجو و بررسی رفتار انسان پرداخته است. انتخاب دیگر کلیدواژه‌ها و پیگیری تطبیقی آن‌ها در تحقیقات دیگر منجر می‌شود تا ابعاد مدل رفتاری انسان به صورت روشن‌تری تبیین گردد. همچنین استفاده از روایات در پیگیری و تکمیل مباحث این تحقیق بسیار مناسب و مورد نیاز است. بنابراین پیگیری این تحقیق با استفاده از دیگر کلیدواژه‌ها و توسعه آن به منابع روایی پیشنهاد می‌شود.

۱. ر. ک. مفهوم جعبه سیاه در سیستم‌ها؛ Gary & others, P 253.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انصاریان، حسین (۱۳۸۳). ترجمه قرآن. قم: انتشارات اسوه.
۳. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
۴. دفت، ریچارد ال (۱۳۸۳). تئوری و طراحی سازمان. ترجمه: پارسائیان، علی؛ اعرابی، محمد. جلد دوم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ چهارم.
۵. رضائیان، علی (۱۳۸۵). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶. رضائیان، علی (۱۳۸۵). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. سالواتوره، دومینک (۱۳۸۹). تئوری و مسائل اقتصاد خرد. ترجمه: ارباب، حمیدرضا. تهران: نشر نی، چاپ سوم.
۸. ساموئلسون، پل؛ هاوس، نورد (۱۳۸۸). اصول علم اقتصاد. ترجمه: محمدخان، مرتضی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۹. شارپ، ویلیام اف؛ الکساندر، گوردون جی؛ بیلی، جفری وی (۱۳۸۸). مدیریت سرمایه‌گذاری. ترجمه: شریعت پناهی، محمد؛ جعفری، ابوالفضل. تهران: اتحاد.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (علّامه طباطبایی) (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۱. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ ه. ق). ترجمه قرآن. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۱۲. قدیری اصلی، باقر؛ محتشم دولتشاهی، طهماسب؛ تقوی، مهدی (۱۳۶۶). اقتصاد خرد. تهران: کتابخانه فرودین، چاپ سوم.
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۴. قلی‌پور، آرین (۱۳۸۶). مدیریت رفتار سازمانی (رفتار فردی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۳). کاتلر در مدیریت بازاریاب. ترجمه: رضائی نژاد. تهران: انتشارات فرا.
۱۶. کالوو، پیتر؛ واگ، ژئوفری (۱۳۷۴). اقتصاد خرد. ترجمه: حمیدرضا ارباب. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی ره.
۱۷. گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام ال (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران. تهران: مازیار، چاپ اول.
۱۸. مرادی زنجانی، حسین؛ لسانی فشارکی، علی (۱۳۸۵). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. زنجان: قلم مهر.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۰. نیلی، مسعود (۱۳۸۷). *مبانی اقتصاد*. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
21. Abdollahi Neisiani, A. (2010). Anti-Rational Decision-Making. *African Journal of Business Management*. 4(8) 1652-1653.
22. Forrester, J W. (1971). (Counterintuitive Behavior of Social Systems. *Technology Review*. 73(3), 53-68.
23. Gary, B. Shelly, Thomas, J. Cashman, H J & Rosenblatt (2010). Systems analysis and design. Boston, Mass.: *Thomson Course Technology*.
24. Luthans, F. & keritner, F. (1985). Organizational Behavior Modification and Beyond: An operant and social learning approach. *Glenview, IL: Scott Foresman*.
25. Simon, H A. (1957). *Administrative behavior: A study of Decision -Making Process in Administrative Organization, 2nd edition*. New York: Macmillan.